###### 28

###### azad

###### دانشگاه آزاد اسلامي

###### واحد تهران مرکز

**موضوع:**

**تاریخ سیاسی ائمه، موضع گیری آن ها و نقش آن ها در تداوم رسالت**

**استاد:**

**دانشجو:**

صفحة چشمة جوشان تاريخ اسلام و سيرة اولياء دين، منبع فياضي است كه هميشه براي همگان درسهاي زندگيساز داشته و دارد.

از آنجا كه ما به «اسوه» بودن معمصومين در همة جهات معتقديم، توفيق الگوگيري از آنان را جز در ساية شناخت سيره و شيوة آنان به دست نمي‌آوريم.

بعد سياسي زندگي امامان و سيرة اجتماعي و مبارزاتي آنان كمتر مورد بحث و تحقيق و عرضه قرار گرفته است. به همين دليل، شناخت «تاريخ سياسي ائمه» از ضرورت و اولويت بيشتري برخوردار است.

طرح و تبيين بعد سياسي و مبارزاتي معصومين(ع)، آرزويي است كه فرزانگان امت و شيفتگان تاريخ امامان، پيوسته داشته‌اند و دارند و با وجود كارهاي ارزشمندي كه در دهه‌هاي اخير انجام گرفته، تاكنون حق اين مطلب ادا نشده است و حرفهاي گفتني و زمينة كاوش در ابعاد و زواياي ناشناخته، هنوز بسيار است.

خوشبختانه مراكز و افرادي هم به تتبع و تدوين اين گوشة مهم از تاريخ اسلام مشغولند واميد مي‌رود كه ثمردهي اين تلاشها و به بار نشستن و عرضه شدن محصول اين تحقيقات خيلي به درازا نكشد و مشتاقان هرچه زودتر، به تماشاي دستاورد اين تلاش مقدس بنشينند.

آنچه پيش رو داريد، تا آن مرتبة مطلوب و آرماني فاصلة بسيار دارد، ولي به هر حال گامي است كه مي‌تواند به سهم خود، روشنگر اين زاويه از سيرة معصومين(ع) باشد. در اين تحقيق، بيش از آنكه به جزئيات زندگي و سيرة معصومين پرداخته شود، كوشش شده تا ترسيمي كلي‌تر و نمايي روشن از بعد مبارزاتي زندگي امامان ـ البته مستند به وقايع حياتشان ـ ارائه شود. غور و كاوش دقيق و ريز، بويژه در مقطع حيات امامان تا عصر امام سجاد و امام باقر(ع) جاي خود را به دوره‌بندي اين مقاطع و بيان ويژگيهاي آن داده است و از عصر امام كاظم(ع) به بعد، مبسوط‌تر مورد بحق قرار گرفته است.

**تاريخ چيست؟**

تاريخ را سه گونه مي‌توان تعريف كرد. در حقيقت سه علم مربوط به تاريخ مي‌توانيم داشته باشيم، كه با يكديگر رابطه نزديك دارند.

1ـ علم به وقايع و حوادث و اوضاع و احوال انسانها در گذشته، در مقابل اوضاع و احوالي كه در زمان حال وجود دارد و به تعبير ديگر هر وضع و حالتي و هر واقعه و حادثه‌اي كه به زمان حال ـ يعني زماني كه درباره‌اش قضاوت مي‌شود ـ تعلق دارد، «حادثه روز» و «جريان روز» است. و ثبت چنين وقايعي از قبيل «روزنامه» است. اما همين كه زمانش منقضي شد و بگذشته تعلق يافت، جزء تاريخ مي‌گردد و به تاريخ تعلق دارد. پس علم تاريخ در اين معني يعني: علم به وقايع و حوادث سپري شده و اوضاع و احوال گذشتگان. زندگينامه‌ها، فتحنامه‌ها، سيره‌ها كه در ميان همه ملل تأليف شده و مي‌شود، از اين مقوله است.

علم تاريخ، در اين معني، اولا جزئي، يعني علم به يك سلسله امور شخصي و فردي است، نه علم به كليات و يك سلسله قواعد و ضوابط و روابط، ثانياً يك علم «نقلي» است نه عقلي، ثالثاً علم به «بودن»ها است نه علم به «شدن‌»‌ها. رابعاً به گذشته تعلق دارد نه به حاضر. ما اين نوع تاريخ را «تاريخ نقلي» اصطلاح مي‌كنيم.

2ـ علم به قواعد و سنن حاكم بر زندگي‌هاي گذشته كه از مطالعه و بررسي و تحليل حوادث و وقايع گذشته بدست مي‌آيد. و آنچه كه محتوا و مسائل تاريخ نقلي را تشكيل مي‌دهد، يعني حوادث و وقايع گذشته، به منزله «مبادي» و مقدمات اين علم بشمار مي‌روند. و در حقيقت آن حوادث و وقايع براي تاريخ به معني دوم، در حكم موادي است كه دانشمند علوم طبيعي در لابراتوار خود گرد مي‌آورد و آنها را مورد تجزيه و تركيب و بررسي قرار مي‌دهد، كه خاصيت و طبيعت آنها را كشف نمايد و به روابط علي و معلولي آنها پي ببرد و قوانين كلي استنباط نمايد. مورخ به معني دوم، در پيش كشف طبيعت حوادث تاريخي و روابط علي و معلولي آنها است تا به يك سلسله قواعد و ضوابط عمومي و قابل تعميم به همه موارد مشابه حال و گذشته دست يابد. ما تاريخ به اين معني را «تاريخ علمي» اصلاح مي‌كنيم.

هرچند موضوع و مورد بررسي تاريخ علمي حوادث و وقايعي است كه به گذشته تعلق دارد، اما مسايل و قواعدي كه استنباط مي‌كند اختصاص به گذشته ندارند، بلكه قابل تعميم به حال و آينده هم است. اين جهت تاريخ را بسيار سودمند مي‌گرداند و آنرا بصورت يكي از منابع «معرفت» (شناخت) انساني در مي‌آورد و او را برآينده‌اش مسلط مي‌نمايد.

فرقي كه ميان كار محقق تاريخ علمي با كار عالم طبيعي هست، اينست كه مواد بررسي عالم طبيعي، يك سلسله مواد موجود حاضر عيني است و قهراً بررسيها و تجزيه و تحليلهايش همه عيني و تجربي است. اما مواد مورد بررسي مورخ در گذشته وجود داشته و اكنون وجود ندارد، تنها اطلاعاتي از آن‌ها و پرونده‌اي از آنها در اختيار مورخ است. مورخ در قضاوت خود مانند قاضي دادگستري است كه براساس قرائن و شواهد موجود در پرونده قضاوت مي‌كند نه براساس شهود عيني. از اينرو تحليل مورخ تحليل منطقي و عقلاني و ذهني است نه تحليل خارجي و عيني. مورخ تحليلهاي خود را در لابراتوار عقل با ابزار استدلال و قياس انجام مي‌دهد نه در لابراتوار خارجي و با ابزاري از قبيل قرع و انبيق. لذا كار مورخ از اين جهت به كار فيلسوف شبيه‌تر است تا كار عالم طبيعي.

تاريخ علمي مانند تاريخ نقلي موضوع و مورد بررسي خود را از وقايع و حوادث گذشته گرفته و به گذشته تعلق دارد نه به حال و علم به بودنها است نه علم به «شدنها» اما برخلاف تاريخ نقلي، كلي است نه جزئي، و عقلي است نه نقلي محض.

تاريخ علمي در حقيقت بخشي از جامعه شناسي است، يعني جامعه ـ شناسي جامعه‌هاي گذشته است. چون موضوع مطالعه جامعه شناسي اعم است از جامعه‌هاي معاصر و جامعه‌هاي گذشته. البته اگر جامعه شناسي را اختصاص بدهيم به شناخت جامعه‌هاي معاصر، تاريخ علمي و جامعه شناسي دو علم خواهند بود اما دو علم خويشاوند و نزديك و نيازمند به يكديگر.

3ـ فلسفه تاريخ، يعني علم به تحولات و تطورات جامعه‌ها از مرحله‌اي به مرحله ديگر و قوانين حاكم برا اين تطورات و تحولات. به عبارت ديگر: علم به «شدن» جامعه‌ها نه «بودن» آنها.

**كاستيها و دشواريها**

پيش از ورود به مبحث اصلي به چند نكته بايد اشاره كرد:

1ـ امامان شيعه، از آنجا كه الگو و اسوة حيات و زندگي و امام همه، در همه جا و همة زمانها هستند، ضرورت دارد تا شناختي جامع از زندگي آنان داشته باشيم؛ زيرا نقش زندگي ائمه را در شكل دادن به شخصيت فكري و اجتماعي مسلمين نمي‌توان منكر شد.

2ـ اكثر آنچه دربارة امامان گفته و نوشته شده، پيرامون شخصيت فردي و فضايل اخلاقي، علم، زهد، سخاوت، معاشرت، القاب، فرزندان و نحوة شهادت آنان بوده است، ولي بعد اجتماعي ـ سياسي و نقش مبارزاتي ائمه و مواضع سياسي آنان و شيوة عملشان در برخورد با جريانهاي فكري و سياسي و در مقابله با خلفاي زمان خودشان، كمتر مورد بحث و بررسي وتحليل قرار گرفته است. سعي ما بر اين خواهد بود كه به اين جنبه‌ها بيشتر بپردازيم.

3 – نوع بينش و شناختي كه از ائمه داشته باشيم، ميزاني «توقع» ما را نسبت به آنها متفاوت خواهد كرد. بنابراين ضرورت دارد بحثي هم در اين زمينه داشته باشيم كه اساسا نقش ائمه و رسالتشان در ميان امت چيست؟ آنگاه خواهيم ديد كه آيا جايي براي پيگيري تاريخي سياسي ائمه هست يا خير. طبعا بينش ما نسبت به ائمه، ما را به اين بعد سياسي احتماعي، خواهد كشاند.

4 – در تحليل و تجزيه تاريخ سياسي ائمه، به مشكلاتي بر مي‌خوريم كه قابل توجه است. برخي از اين مشكلات، مربوط به عموم تواريخ و شخصيتها‌ست و بعضي ديگر، اختصاصا به تاريخ زندگي امامان شيعه مربوط مي‌گردد و همين مشكلات، باعث شده تا حد زيادي بعد سياسي اجتماعي تاريخ شيعه و ائمه، مكتوم بماند.